

## یک گام بلند



هوشنگ گلمکانی  
منتقد سینما

نرگس آبیبار باز هم گام بلند دیگری برداشته؛ بلندتر از فیلم بلندپروازانه قبلی‌اش. «ابلق» فیلمی تکان‌دهنده و تأثیرگذار است، با یک کارگردانی ماهرانه و پرزحمت و بازی‌های چشمگیر. هرچند که به دلایلی شخصی، من «نفس» را همچنان بیش‌تر دوست دارم. فعلاً همین.

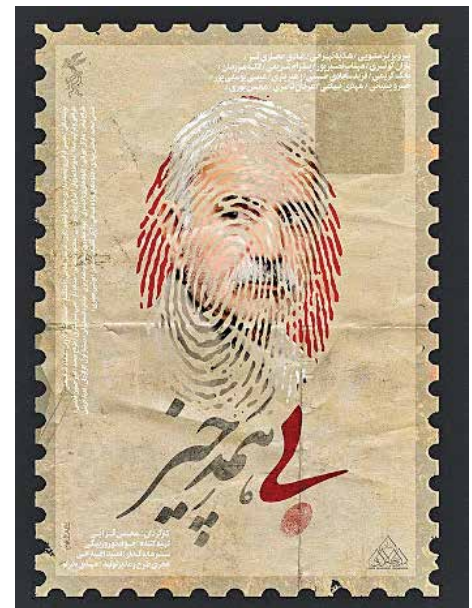


آنها یکدستی نمی‌بینیم. ضمن اینکه گریم هم واجد اشکالات اساسی است. با این همه به‌نظر می‌رسد فیلم در بین مخاطبان و خانواده‌ها با استقبال خوبی همراه شود.

### ■ «بی‌همه چیز»، انتقام عاشقانه

محسن قرایی فیلم به فیلم در حال پیشرفت است با دست‌کم دچار پسرفت نشده. او که با افشین هاشمی نخستین کارگردانی‌اش را در فیلم «خسته نباشید» تجربه کرد و در «سد معبر» نشان داد که فیلمساز با استعدادی است و در «قصر شیرین» رضا میرکریمی توانمندی‌اش را در فیلمنامه‌نویسی اثبات کرد حالا انگار همه آن تجربه‌ها را در «بی‌همه چیز» جمع کرده و حالا یک اقتباس ادبی قابل قبول را هم به آن اضافه کرده است. فیلم اقتباسی است از نمایشنامه کلاسیک «ملاقات با بانوی سالخورده» فردریش دورنمات که البته به‌نظر می‌رسد این نقطه قوت به نقطه ضعف فیلم هم بدل شده. به این معنا که وفاداری فیلمساز به نمایشنامه باعث شده با وجود اینکه کارگردان به مؤلفه‌های بومی توجه داشته اما یک جاهایی مماس فرهنگی و تاریخی بین فیلم و نمایشنامه صورت نمی‌گیرد و حتی باعث کش آمدن آن شده که قطعاً با یک تدوین مجدد می‌تواند به ریتم بهتر آن کمک کند. فیلم البته در یک موقعیت بی‌زمان و بی‌مکان روایت می‌شود اما در لایه‌های زیرین آن می‌توان دغدغه‌ها و بحران‌های سیاسی و اجتماعی بویژه در نسبت بین نخبگان و توده را نشانه‌شناسی کرد. از این حیث قصه فیلم روایتی دراماتیک از آن چیزی است که کتاب جامعه‌شناسی نخبه‌کشی درباره آن بحث می‌کند. اینکه چه عوامل اجتماعی و فرهنگی موجب می‌شود پروژه تغییر و اصلاح شکست بخورد. هر چند فیلم در این زمینه راه افراط می‌پیماید و نگاه بدبینانه به مردم دارد که مثل ملخ می‌مانند که به هر سمتی که باد می‌وزد پرواز می‌کند. تأکید بر کشته شدن گاو که حیوانی مفید است و به همه محل شیر می‌دهد و قیاس تلویحی آن با امیر (پرویز پرستویی) و حضور یک ملخ در کنار طویله نمادپردازی‌های همین نگرشی است که قابل نقد است. «بی‌همه چیز» از انتخاب و چیدمان خوب بازیگران برخوردار است و حضور هدیه تهرانی و پرویز پرستویی یکی از مهم‌ترین برگ برنده‌های آن است. دو شخصیتی که مخاطب را در جدال‌های خود به‌عنوان یک عاشق قدیم و رقیب جدید با خود همراه می‌کند.

و شیوه درمان را هم که شعاری و احساسی نیست در فرآیند درام بازنمایی می‌کند. در واقع او برخلاف تهمینه میلانی که هم نگاه جنسیتی به زندگی زن‌شویی دارد و هم کلی‌گویی می‌کند سعی می‌کند تا با پرداخت جزئیات که شاید بی‌اهمیت و پیش‌پا افتاده تلقی شود به آسیب‌شناسی دست زده و مخاطب را قانع می‌کند که دست‌کم گرفتن همین ریزه‌کاری‌های به‌ظاهر بی‌اهمیت، بنیاد اصلی اختلافات یا دلزدگی‌های زن‌شویی است. فیلم گرچه از حیث درام و



سینمایی فاقد خلأها و حفره‌های فیلمنامه‌ای و کارگردانی است اما از حیث روانشناسی از فیلم‌های به اصطلاح حال خوب کن است که تماشای آن در شرایط اجتماعی موجود که بسیاری از زندگی مشترک با بن‌بست یا ملال و افسردگی همراه شده می‌تواند راهگشا باشد و به تزریق امید در جامعه کمک کند. الناز حبیبی و حسام محمودی به‌عنوان بازیگران این فیلم بازی خوبی ارائه می‌دهند اما در شخصیت‌پردازی

## برای علی انصاریان آرزوی سلامتی داریم



کاری انجام دهیم. نمی‌توان فیلمی فانتزی ساخت که هیچ بخش رئالی در آن نباشد و از دل همین تضاد میان رئال و فانتزی است که زندگی و فیلم شکل می‌گیرد. / نشست خبری «رمانتیسیم عماد و طوبا»

کاوه صباغ‌زاده: در ابتدا می‌خواهم برای علی انصاریان آرزوی سلامتی داشته باشم. فضای فانتزی و رنگارنگ در همه قصه دیده می‌شود. فیلمی که روی پرده دیدید، بهترین کاری بود که از دست ما برمی‌آمد و فکر نمی‌کنم بهتر از این می‌توانستیم



انتقادی مردم در این باره نوشت: «محبوبیت چشمگیر عادل فردوسی‌پور پس از کنار گذاشته شدن از صداوسیما و محبوبیت همیشگی پرویز پرستویی به دلیل نقش آفرینی‌ها و فعالیت‌های اجتماعی‌اش هیچ‌کدام نتوانست مانع چشم‌پوشی از خطای مسلم‌شان شود. این یعنی شتمات‌ها به دلیل علاقه و نگرانی است نه بهانه‌ای برای طرد و توبیخ.»

میهمان ویژه اولین روز جشنواره فیلم فجر در کاخ رسانه عادل فردوسی‌پور بود. حضور او برای تماشای فیلم «بی‌همه چیز» محسن قرایی یک حاشیه‌کرنایی را هم ساخت. خوش و بش پرستویی و فردوسی‌پور و در آغوش کشیدن یکدیگر جلوی دوربین با واکنش منفی در فضای مجازی همراه بود. دکتر مصطفی جلالی فخر از منتقدان سینما با اشاره به واکنش